

از گفته‌ها تا اعمال: پرونده حقوق بشر سازمان ملل متحد

بیژن پیروز^۱

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مصطفی ذاکری

دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۳ - تاریخ تصویب: ۹۳/۷/۱۶)

چکیده

در این مقاله، ضمن بررسی موارد بسیاری که مدیران، کارمندان و نیروهای سازمان ملل حقوق بشر را نقض کرده‌اند و اظهارات ضد ایرانی ۱۱ مارس ۲۰۱۴ بان کی-مون که نمونه‌ای انکارناپذیر از نقض منشور ملل متحد و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط دبیر کل سازمان ملل است، بحث و بررسی شده است. نتیجه بررسی‌های انجام گرفته در این مقاله نشان می‌دهد «دین» جدیدی که تلاش شده است تا به بهانه صیانت از حقوق انسان‌ها و در رقابت با ادیان آسمانی جعل شود، ارتباط انکارناپذیری با گسترش تروریسم در جهان هم در دوران جنگ سرد و هم در حال حاضر داشته است.

واژگان کلیدی

سازمان ملل، شورای امنیت، شیوه‌های مدرن تکفیر، منشور ملل متحد، نقض حقوق بشر

مقدمه

نقض حقوق بشر توسط نیروهای سازمان ملل، واقعیت تلخی است که از بوسنی و برونودی و سیرالئون تا کنگو و هایتی موضوع مخفی‌کاری‌های همیشگی رسانه‌ها بوده است. با وجود این، جمع‌آوری و بازبینی دقیق گزارش‌های پراکنده‌ای که گاه در این رسانه‌ها عمداً به‌شیوه‌ای منتشر شده است تا هرگز در کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد، فاش‌کننده حقایق تکان‌دهنده‌ای است که به‌صورت «رفتار عملاً پذیرفته‌شده و ادامه‌داری» در عالی‌ترین سطوح در میان مدیران و تصمیم‌گیرندگان ارشد این سازمان نیز شایع است.

جنایت و تجاوز از بوسنی تا کنگو

در سال ۲۰۰۴ کریستین ساینس مانیاتور، طی گزارشی بسیار دیرنگام که در آن با وسواس از عبارت «نقض حقوق بشر» اجتناب شده بود، نوشت:

... تمامی عملیات حفظ صلح سازمان ملل طی سال‌های اخیر با انواع و اقسام تعرض به زنان همراه بوده است. باندهای فحشایی که در بوسنی کشف شدند، شامل نیروهای حافظ صلح سازمان ملل بودند. این نیروها علاوه بر ضرب و جرح و تجاوز به زنان بوسنیایی، متهم به سوء استفاده‌های جنسی از یک دختر معلول‌اند. بر اساس گزارش‌های دریافت‌شده، کارکنان محلی سازمان ملل در غرب آفریقا، عرضه کمک‌هایی نظیر توزیع کیسه‌های آرد به آوارگان را مشروط به داشتن روابط جنسی با آنها کرده‌اند. نیروهای سازمان ملل مستقر در تیمور شرقی، به تجاوز به زنان و کودکان متهم‌اند. نیروهای سازمان ملل مستقر در سومالی و نیروهای سازمان ملل مستقر در کامبوج هم به انواع سوء استفاده‌های جنسی متهم‌اند. اتهام نیروهای سازمان ملل مستقر در کنگو طی ماه مه ۲۰۰۴، کشاندن دختر بچه‌ها به اردوگاه‌های خود به بهانه اعطای کمک و برقراری روابط جنسی با آنها در ازای مواد غذایی بوده است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، این دختر بچه‌ها به موز و کیکی که به‌ازای تن دادن به روابط جنسی با نیروهای سازمان ملل به‌دست می‌آوردند، برای تغذیه نوزادانی احتیاج داشتند که خود نتیجه تجاوز نظامیان ملل متحد به مادرانشان بودند (Jordan, 2004).

عبارت «سال‌های اخیر» در گزارش سال ۲۰۰۴ کریستین ساینس مانیاتور از عملکرد نیروهای سازمان ملل، بسیار محتاطانه انتخاب شده است که بیش از یک دهه قبل از انتشار این گزارش، سیاتل تایمز در گزارشی از ساریوو نوشته بود:

... به گواهی شاهدانی که در میان آنها هم مسلمانان و هم فرماندهان محلی صرب دیده می‌شود، درباره حضور مکرر نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در یکی از مراکز فحشایی که نیروهای صرب در حومه ساریوو ایجاد کرده بودند و در آن زنان مسلمان و کروات را به‌عنوان

برده‌های جنسی زندانی کرده، وادار به تن‌فروشی می‌کردند، تردد وجود دارد. در حالی که دولت بوسنی به کرات اعلام کرده بود که صرب‌ها در همین مکان یک اردوگاه شکنجه و کشتار دایر کرده‌اند، اکنون نیز هم زندانیان سابق و هم مقام‌های سازمان ملل تأیید کرده‌اند که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل نه هرگز خواستار بازرسی از این اردوگاه شده و نه حتی گزارشی از وجود چنین اردوگاهی تنظیم کرده‌اند... برنیسلاوا و لاکو^۱ (فرمانده صرب اردوگاه «سونجا») طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که نیروهای سازمان ملل از جمله مشتری‌های همیشگی اردوگاه یادشده بودند: «در زمانی که فرمانده بودم آنها هفته‌ای چند بار می‌آمدند، تلویزیون تماشا می‌کردند و مشتری غذا، مشروب و همچنین زنان اردوگاه بودند»... کسانی که از این اردوگاه جان سالم به‌در برده‌اند، نیز شهادت داده‌اند که بارها شاهد کشیده شدن زنان این اردوگاه به نفربرهای ژرهی سازمان ملل یا خودروهایی که با خودروها و نفربرهای سازمان ملل محافظت و همراهی می‌شدند و انتقال آنها به اماکن نامعلوم بوده‌اند (Gutman, 1993).

گزارش‌های به‌دقت ویرایش‌شده سال ۲۰۰۵ خبرگزاری رویترز از جنایت‌های تکان‌دهنده نیروهای سازمان ملل مستقر در کنگو هم کم‌وبیش همانند گزارش‌های کریستین ساینس مانی‌تور و سیاتل تایمز است:

...جنایت‌های جنسی نیروهای سازمان ملل شامل تجاوز به عنف، مجبور کردن زنان و حتی کودکان خردسال به تن‌فروشی در سراسر خاک کنگو از جمله در اردوگاه‌های پناهندگان شهر بونیا واقع در شمال شرق کنگوست. گزارشی که بازرسان تهیه کرده‌اند، حکایت از آن دارد که نیروهای سازمان ملل در ازای روابط جنسی با کودکان ۱۲ تا ۱۳ ساله این اردوگاه، به آنها تخم‌مرغ، شیر یا چند دلار پول داده‌اند. به‌تازگی هم چندین نمونه از مواردی که در آن دختران نوجوان در این اردوگاه در ازای دریافت چند دلار پول و مقدار کمی غذا وادار به روابط جنسی با نیروهای سازمان ملل شده بودند، در یک مستند خبری که از شبکه ای‌بی‌سی آمریکا پخش شد، به نمایش درآمده است (Leopold, 2005).

اما گزارش واشینگتن‌پست جزئیات تأسف‌بار بیشتری را در زمینه نحوه برخورد جنایتکاران سازمان ملل مستقر در کنگو حتی با بازرسان خود این سازمان افشا می‌کند:

... پیش‌نویس یکی از گزارش‌های محرمانه سازمان ملل حکایت از آن دارد که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، بازرسان این سازمان را که در حال تحقیق و تفحص از سوء رفتارهای جنسی نیروهای سازمان ملل مستقر در کنگو بودند، تهدید به مرگ کرده، تلاش کردند تا با رشوه دادن به شهود، شهادت آنها را درباره جنایت‌های جنسی به‌نفع خود تغییر دهند... این گزارش ۳۴ صفحه‌ای حکایت از آن دارد که نیروهای حافظ صلح مستقر در کنگو

1. Branislav Vlaco.

یکی از کسانی را که با بازرسان در حال تحقیق درباره بهره‌کشی جنسی و نیز تجاوز به کودکان توسط نیروهای سازمان ملل همکاری می‌کرد، تهدید به مرگ کرده و این پیام را هم برای یکی از بازرسان مؤنث فرستاده‌اند که وی «بهتر است شب‌ها هنگام خروج از دفتر کارش مراقب پشت سر خود باشد». در این گزارش محرمانه، مستندات مربوط به ۶۸ مورد اتهام تجاوز به عنف، کودک‌آزاری و استخدام کودکان به‌عنوان روسپی توسط نیروهای حافظ صلح سازمان ملل گردآوری شده است... منابع موجود در سازمان ملل اعلام کرده‌اند که تحقیقاتی که بازرسان از پرسنل سازمان ملل مستقر در کنگو انجام داده‌اند، تا زمان تنظیم این گزارش دست‌کم از ۱۵۰ مورد سوء رفتار جنسی پرده برداشته است (Lynch, 2004).

لس آنجلس تایمز در مجموعه گزارش‌هایی که شامل مصاحبه با تتی چند از قربانیان نیروها و کارمندان سازمان ملل در کنگوست، به واقعیت‌های تکان‌دهنده‌ای اشاره کرده که امکان درج اغلب بخش‌های آن در این نوشته وجود ندارد:

... عزیزه دختری هجده ساله با صدایی آرام است که چهار ماه پیش در غروب یکی از روزهایی که در بازار میوه می‌فروخت، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل او را به خودرو خود فرا خواندند. وقتی عزیزه به سمت خودرو نیروهای حافظ صلح سازمان ملل می‌رفت، تصور می‌کرد که آنها می‌خواهند میوه‌هایش را بخرند... پیشنهاد فقط پنج دلار بود؛ اما برای عزیزه این مبلغ از درآمد یک ماه کار در بازار میوه بیشتر بود... بار دیگری که عزیزه با نیروهای سازمان ملل ملاقات کرد، دو نفر از آنها اصرار کردند به‌طور هم‌زمان با وی رابطه داشته باشند و وقتی که عزیزه مخالفت کرده، حاضر نشد کارهایی را انجام دهد که در فیلمی مستهجن به او نشان داده بودند، وی را به شدت کتک زدند. مادر عزیزه، زمان راهی شدن او به بیمارستان از موضوع مطلع شد و عزیزه را از خانه طرد کرد. عزیزه که جایی برای اقامت نداشت، ناچار دوباره به خارجی‌ها پناه آورد... «من نمی‌دانم آیا همه سفیدپوست‌ها این گونه‌اند یا نه» این را عزیزه که از بازگو کردن نام کاملش شرم داشت، گفت. اما آنچه از سرگذشت عزیزه و دست‌کم ۱۵۰ قربانی دیگر طی ماه‌های اخیر علنی شده و ارکان نهادی را که خود را کارگزار رحم و شفقت در جهان می‌داند، به لرزه در آورده است، حکایت از آن دارد که نه «بعضی» که «بسیاری» از نیروهای حافظ صلح و کارمندان غیرنظامی سازمان ملل مستقر در مناطق جنگ‌زده کنگو «این گونه» اند... اتهام‌هایی که تقریباً متوجه تمام نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مستقر در کنگوست، کارمندان ارشد غیرنظامی از جمله یکی از مقام‌های ارشد امنیتی و یک فرمانده از فرستادگان ویژه سازمان ملل و نیز یکی از بازرسان بخش نظارت داخلی این سازمان را شامل می‌شود. دامنه این اتهام‌ها از تجاوز به عنف تا بهره‌کشی جنسی، مانند مشروط کردن اعطای یک بطری آب یا یک وعده جیره غذای نظامی به داشتن روابط جنسی و ... است. یکی از

پرونده‌ها دربارهٔ یک کارمند اداری سازمان ملل اهل فرانسه است که روابط خود با دختر بچه‌های نوجوان را با دوربین دیجیتالی خود عکسبرداری کرده و سبب ایجاد این نگرانی در سازمان ملل شده است که فاش شدن این تصاویر ممکن است ابوغریبی را برای سازمان ملل ایجاد کند... یکی از پرونده‌های گزارش شده از شهر بوکاوو، به دختر بچهٔ سیزده ساله‌ای می‌پردازد که در پی تجاوز یکی از آشپزان اردوگاه نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به او، باردار شده و خانواده‌اش او را طرد کرده‌اند. در پرونده‌ای دیگر، دختری هجده ساله بازگو کرده است که وقتی به همراه برادر کوچکش مسیری را در جاده‌ای پیاده طی می‌کردند، سه تن از نیروهای حافظ صلح او را به زور به سایه‌های درختان نزدیک جاده کشانده و در آنجا هر سه نفر به وی تجاوز کرده‌اند و یکی دیگر از پرونده‌ها سرگذشت زنی است که وقتی به منزل یکی از مهندسان سازمان ملل رفته، تمام دوستان او چنان با قساوت به وی تجاوز گروهی کرده‌اند که راهی بیمارستان شده است (Farley, 2004).

جنایت و تجاوز در هایتی

اگر چه ممانعت مؤثر از انعکاس رسانه‌ای جنایت‌های نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در کنگو، مانع مشهور شدن این کشور به «ابوغریب سازمان ملل» شد، با گسترش فناوری اطلاعات، تصاویری از شکنجه‌های جنسی مردم توسط نیروهای سازمان ملل مستقر در هایتی، یکی دیگر از «ابوغریب‌های سازمان ملل» - دست‌کم در فضای مجازی - منتشر شده است. نیروهای سازمان ملل در هایتی^۱ هرگز «حافظ صلح» نامیده نشدند؛ چرا که وقتی این نیروها به موجب قطعنامهٔ ۱۵۴۲ شورای امنیت و در حقیقت به منظور حمایت از کودتاچیان طرفدار آمریکا در سال ۲۰۰۴، کشور هایتی را به اشغال خود درآوردند، اساساً در هایتی جنگی وجود نداشت و به همین دلیل، نام «نیروهای برقرارکنندهٔ ثبات»^۲ و نه نیروهای «حافظ صلح» برای آنها انتخاب شد. اما در پی انتشار تصاویری از شکنجه‌های جنسی همین نیروهای به اصطلاح «برقرارکنندهٔ ثبات» در هایتی، گاردین در گزارشی که در سال ۲۰۱۱ منتشر و در لابه‌لای خبرها به فراموشی سپرده شد، نوشت:

۱. کشور هایتی تاریخ آموزنده‌ای برای علاقه‌مندان به حقوق بشر دارد؛ برخلاف دیگر کشورهای آمریکای لاتین، بیش از ۹۸ درصد جمعیت هایتی را سیاهپوستان آفریقایی‌تبار تشکیل می‌دهد؛ چرا که استعمارگران اروپایی پس از به زعم خود «کشف» جزیره‌ای در دریای کارائیب که اکنون بخش غربی آن هایتی نامیده می‌شود، آن را Hispanola نامیدند و از سال ۱۵۱۳ به پاکسازی نژادی ساکنان بومی بخش غربی این جزیره و جایگزین کردن آنها با بردگان سیاهپوست اقدام کردند. تمام ساکنان بومی این بخش از جزیره یا به قتل رسیده یا به بخش شرقی - که اکنون جمهوری دومینیکن نامیده می‌شود - آواره شدند.

2. MINUSTAH (=Mission des Nations Unies pour la Stabilisation en Haïti = United Nations Stabilization Mission in Haiti)

...در فیلمی که به تازگی در فضای مجازی توزیع و نسخه ویرایش شده آن از شبکه ای بی سی پخش شده است، چهار مرد که عضو نیروهای برقرارکننده ثبات سازمان ملل اند، در حال تجاوز به یک پسر هجده ساله اهل هایتی دیده می شوند. دو نفر از آنها قربانی را محکم روی یک تشک نگاه داشته و دست هایش را طوری از پشت تا بالای سرش پیچانده اند که وی نمی تواند حرکت کند. شاید غیراخلاقی ترین بخش این فیلم تشویق ها و قهقهه های مستمر ناظران مستی باشد که به ظاهر خود را در نوعی جشن یا میهمانی تصور می کنند... به گزارش شبکه ای بی سی، نیکولاس کاساریگو، ستوان نیروی دریایی اروگوئه که خود عضو نیروهای برقرارکننده ثبات سازمان ملل در هایتی است، ساختگی نبودن این فیلم را تأیید کرده و یک گواهی پزشکی هم در دادگاهی واقع در پورت سالوت - که یکی از شهرهای بندری در ساحل جنوبی هایتی است - وجود دارد که تأیید می کند این قربانی جراحات ناشی از تعرض های جنسی داشته است... به احتمال زیاد، این رویداد آتش خشم مردم هایتی را از نیروهای سازمان ملل که بیش از هفت سال است کشورشان را به اشغال خود درآورده اند، شعله ورتر خواهد کرد. نیروهای سازمان در مدت حضور خود در هایتی، الگویی نفرت انگیز از انواع سوء استفاده ها را در اذهان به جای گذاشته اند. در دسامبر ۲۰۰۷، بیش از یکصد سرباز سازمان ملل به دلیل تجاوز به دختر بچه های نابالغ از هایتی اخراج شدند. در سال ۲۰۰۵، نیروهای سازمان ملل بدون هیچ دلیل مشخصی به سیتة سولل^۱ یکی از فقیرترین نواحی در بندر پورت - آو - پریس^۲ هجوم برده و ۲۳ نفر را که برخی از آنها کودک بودند، به قتل رساندند. بعدها گروه پزشکان بدون مرز^۳ طی گزارشی اعلام کرد که «در روز این حادثه، ما زخم های ناشی از اصابت گلوله به ۲۷ نفر را مداوا کردیم که بیست تن از آنها را زنان زیر هجده سال تشکیل داده بودند»... (Weisbrot, 2011).

آلوده کردن آب آشامیدنی و سرکوب معترضان

اما جنایت های نیروهای به اصطلاح «برقرارکننده ثبات سازمان ملل» در هایتی، به سوء استفاده جنسی از کودکان، تجاوز به زنان و مردان و کشتار غیرنظامیان با شلیک ده ها هزار گلوله توسط نظامیانی مصون از هرگونه تعقیب قضایی، محدود نبود؛ چرا که هایتی همزمان با وقوع این جنایت ها در اکتبر ۲۰۱۰ شاهد مرگبارترین حمله میکروبی تاریخ معاصر علیه جمعیت خود بود که عامل آن در تمام گزارش ها از جمله گزارش خبری سال ۲۰۱۱ گاردین «بدون هیچ تردیدی» نیروهای به اصطلاح «برقرارکننده ثبات سازمان ملل» معرفی شده است:

1. Cité Soleil.
2. Port-au-Prince.
3. Doctors Without Borders.

... در حال حاضر، تردیدی وجود ندارد که «نیروهای برقرارکننده ثبات سازمان ملل در هایتی» موجب انتشار باکتری وبا و در نتیجه، همه‌گیر شدن وبا در هایتی شده‌اند که طی ده ماه گذشته سبب مرگ بیش از شش هزار و بستری شدن بیش از چهارصد هزار تن شده است! ... با توجه به ضعف شدید سامانه‌های دولتی، تأمین آب آشامیدنی و نظارت بر سلامت و بهداشت عمومی در هایتی، لازم بود سازمان ملل نظارت کافی داشته باشد تا پساب سرویس‌های بهداشتی اردوگاه‌ها و پایگاه‌های «نیروهای برقرارکننده ثبات سازمان ملل در هایتی» وارد منابع تأمین آب شرب مردم این کشور نشود... (Weisbrot, 2011).

اگرچه گاردین در نهایت پس از گذشت یک سال در سال ۲۰۱۱، کشتار هفت هزار نفری و روانه بیمارستان شدن بیش از ۵ درصد از جمعیت هایتی در سال ۲۰۱۰ را به صورت یک «اشتباه مدیریتی ختم به خیر شده» از سوی نیروهای به اصطلاح «برقرارکننده ثبات سازمان ملل» گزارش کرد، طی این یک سال صدها جنایت تلخ علیه بشریت در هایتی به وقوع پیوسته بود که اخبار آنها به عمد در لابه‌لای گزارش‌های منتشرشده رسانه‌های دیگر پنهان شده است؛ برای مثال بخش انگلیسی تارنمای خبری الجزیره، در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۰ از تیراندازی نیروهای سازمان ملل به تظاهرکنندگان بی دفاعی نوشته بود که تنها جرمشان اعتراض به اقدام نیروهای سازمان ملل به آلوده کردن آب آشامیدنی مردم کشورشان بود:

... در حالی که شیوع وبا طی سه هفته گذشته جان بیش از نهصد نفر را گرفته است، دست کم دو نفر در درگیری تظاهرکنندگان با نیروهای سازمان ملل در هایتی کشته شدند. بر اساس گزارش‌های رادیو هایتی و نیز شاهدان عینی، روز دوشنبه تظاهرکنندگانی که نیروهای سازمان ملل را مسئول همه‌گیر شدن وبا می‌دانستند، اقدام به پرتاب سنگ به سوی این نیروها کرده و تهدید کرده بودند که اردوگاه آنها را به آتش می‌کشند (Rampietti, 2010).

واقعیت این است که در بررسی اخبار مربوط به نحوه برخورد نیروهای سازمان ملل با این نوع اعتراض‌های کاملاً مشروع مردمی، از تیراندازی به سوی تظاهرکنندگان تا مفقودالاث‌کردن کامل دستگیرشدگان یا پیدا شدن اجساد زیر شکنجه کشته‌شده آنها، گستره وسیعی از تمام فنون ایجاد رعب و وحشت که سفاک‌ترین رژیم‌های دست‌نشانده غرب در نقاط مختلف جهان استفاده می‌کردند، قابل مشاهده است.

اما ریشه این گزارش‌ها و صدها گزارش مشابه را که از قاچاق مواد مخدر و اسلحه تا ارتکاب انواع جنایت‌های سازمان‌یافته توسط نیروهای سازمان ملل پرده بر می‌دارند، در حقیقت باید در بی‌توجهی این نهاد به این واقعیت بنیادی دانست که هرگونه تلاش واقعی حتی

۱. وبایی که نیروهای برقرارکننده ثبات سازمان ملل در هایتی همه‌گیر کردند، پس از ابتلای بیش از نیم‌میلیون تن و مرگ بیش از هفت هزار تن، در نهایت در سال ۲۰۱۲ تا حدودی کنترل شد.

برای نیل به مقدماتی‌ترین وعده‌ها در صیانت از حقوق انسان‌ها، به مراتب بیشتر از آنچه تصور می‌شود، نیازمند معنویت راستین موجود در ادیان آسمانی است؛ چرا که در صورت نبود اعتقاد عمیق مذهبی، نیروهای به اصطلاح حافظ یا ایجادکننده صلح سازمان ملل، در حقیقت مزدوران اجیر شده از ملیت‌های مختلفی‌اند که به‌ازای دریافت دستمزد از سازمان ملل و در نتیجه تا وقتی که پرداخت بیشتر یا انگیزه شخصی برتری وجود نداشته باشد، حاضر به شلیک به سمت اهداف تعیین‌شده سازمان ملل‌اند و از افراد دارای چنین خلق و خویی، به‌ویژه هنگامی که نسبت به مردم محل مأموریت خود پول، قدرت اقتصادی و نیز قدرت نظامی بیشتری داشته باشند، نمی‌توان و نباید انتظار پرهیزکاری داشت.

انحراف‌های اخلاقی در عالی‌ترین سطوح مدیریتی

واقعیت این است که مشکل وقوع جنایت علیه بشریت و تلاش برای پنهان‌سازی، فقط به «سربازان» سازمان ملل محدود نیست و این‌گونه رفتارها، همان‌طور که در مقدمه این نوشته اشاره شد، تا عالی‌ترین سطوح مدیریتی نیز در این سازمان قابل مشاهده است؛ برای مثال در ۶ دسامبر ۲۰۰۵، خبری مبهم و کوتاه روی تارنمای رسمی مرکز اخبار سازمان ملل منتشر شد که برای خوانندگان حاوی اطلاعاتی بسیار مبهم به شرح زیر بود:

... کارینا پرلی رییس اداره کمک به برگزاری انتخابات سازمان ملل متحد، صبح امروز نامه‌ای دریافت کرد که وی را از تصمیم دبیرکل در خصوص اخراجش به دلیل «رفتار نامناسب» آگاه کرد و این اخراج بی‌درنگ انجام گرفت (United Nations News Centre, 2005).

در توضیح آنچه تارنمای رسمی مرکز اخبار سازمان ملل، «رفتار نامناسب» نامیده بود، سخنگوی ارشد سازمان ملل تنها به بیان این جمله اکتفا کرد که:

... شکایت‌ها علیه کارینا پرلی شامل شکایت از اذیت و آزار، از جمله اذیت و آزارهای جنسی^۱ و استفاده سوء از اختیارات است...

در گزارش‌های منتشرشده (و البته هرگز تکذیب‌نشده) خبرگزاری‌ها، کمی بیشتر به

1. Office of the Special Adviser on Gender Issues and Advancement of Women (OSAGI)al Sexual Harassment در سازمان ملل متحد در گزارش خود تحت عنوان Achievement of gender balance واژه « Sexual Harassment» را به نقل از UN Personnel Manual این‌گونه تعریف کرده است:

Sexual harassment is defined as any unwelcome sexual advance, request for sexual favours or other verbal or physical conduct of a sexual nature, when it interferes with work, is made a condition of employment or creates an intimidating, hostile or offensive work environment. It is particularly serious when behaviour of this kind is engaged in by any official who is in a position to influence the career or employment conditions (including hiring, assignment, contract renewal, performance evaluation or promotion) of the recipient of such attentions (<http://www.un.org/womenwatch/osagi/fpsexualharassment.htm>).

جزئیات اشاره شده بود؛ برای مثال بی‌بی‌سی در گزارش خود نوشته بود: ...کارمندان او از رفتارهایش در تنش روانی دائمی قرار داشته، از کار کردن در محیطی پر از سوء استفاده و مملو از کنایه و تهدید جنسی شکایت داشتند (BBC, 31 March 2005). در گزارش واشینگتن‌پست هم آمده بود:

...صبح سه‌شنبه به پریلی ۴۸ ساله کتباً اعلام شد که وی به دلیل ارتکاب اذیت و آزار جنسی و نیز حرفه‌ای کارمندانش با قطع حقوق از سمت خود برکنار شده است. مقام‌های مسئول در سازمان ملل، قفل دفتر او را تعویض و حساب ایمیلش را مسدود کردند و ورود بدون اجازه و بدون محافظ وی را نیز به مقر سازمان ملل ممنوع اعلام کردند. سازمان ملل هرگز جزئیات کامل جرایم این «کارشناس برگزاری انتخابات» خود را علنی نکرده است؛ اما یکی از سخنگویان ارشد این سازمان تأیید کرد که این جرایم شامل اذیت و آزار، از جمله اذیت و آزارهای جنسی و استفاده سوء از اختیارها بوده است (Lynch, 2005).

اینکه خانمی ۴۸ ساله که انتصاب او به ریاست «اداره کمک به برگزاری انتخابات سازمان ملل متحد» موجب مباحثات سازمان نظارت بر حقوق زنان^۱ و دفتر ارتقای وضعیت زنان^۲ سازمان ملل شده بود، از کارمندان سازمان ملل به‌غیر از «کمک» به برگزاری انتخابات دقیقاً چه توقعات دیگری داشت که در ۶ دسامبر ۲۰۰۶ به‌شرحی که در گزارش واشینگتن‌پست ذکر شده است، از سازمان ملل اخراج شد، خوانندگان ارجمند بهتر است از دفتر اطلاع‌رسانی سازمان ملل در تهران^۳ پرس‌وجو کنند؛ چرا که با طرح چنین پرسشی، اگرچه چیزی بیشتر از آنچه گفته شد به دانسته‌هایشان افزوده نخواهد شد، با تعریف دقیق «جریان آزاد اطلاعات» از نگاه سازمان ملل، آشنایی بیشتری پیدا خواهند کرد. آنچه مسلم است اینکه تا پیش از اخراج در ۶ دسامبر ۲۰۰۶ -یعنی در تمام طول مدت ریاست خانم کارینا پریلی بر اداره کمک به برگزاری انتخابات سازمان ملل متحد- «عملکرد بسیار موفق» اداره او در برگزاری انتخابات‌های «دموکراتیک» در نواحی مختلف دنیا از جمله تیمور شرقی، سیرالئون، فلسطین، افغانستان و عراق بارها مورد تقدیر مقامات مختلف از جمله شخص دبیر کل سازمان ملل قرار گرفته بود.

به‌طور تقریبی، یک سال پیش از اخراج خانم کارینا پریلی -یعنی در ۲۰ فوریه ۲۰۰۵- دفتر دبیر کل سازمان ملل متحد با انتشار بیانیه‌ای ضمن تشکر فراوان به‌دلیل آنچه «تعهد و از

1. Women Watch.

2. Advancement of Women.

3. United Nations Information Centre, Tehran (<http://www.unic-ir.org/>): No.8, Shahrzad Blvd., Darrou, Qoba St., Shariati Ave. Tehran. Iran P.O. Box 15875-4557, Telephone: (021) 228 73837, Fax Number: (021) 228 73395, Email Address: unic.tehran@unic.org

خود گذشتگی او در رسیدگی به امور پناهندگان معرفی شده بود، با استعفای آقای ردولفوس فرانسیکوس (رود) لوبرتس^۱ موافقت کرد درحالی که هنوز یک سال از مدت پنج ساله ریاستش بر «کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان» باقی مانده بود. اما جناب رود لوبرتس ۶۵ ساله هم به گزارش واشینگتن پست به این دلیل ناچار به استعفا شده بود که:

...یکی از کارمندان مؤنث سازمان ملل در ماه مه سال ۲۰۰۴، علیه رود لوبرتس رئیس کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، شکایتی با این مضمون طرح کرده بود که آقای لوبرتس در جلسه‌ای که در دسامبر ۲۰۰۳ در مقر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان واقع در ژنو برگزار شده بود، کمر وی را با هر دو دست گرفته و ... تحقیقات اداره نظارت داخلی سازمان ملل^۲ نه فقط اتهامی را که این کارمند مؤنث طرح کرده بود، تأیید کرد، بلکه رئیس کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان را به داشتن عادت رفتاری به آزار و اذیت جنسی کارمندان مؤنث متهم کرد و در گزارشی پانزده صفحه‌ای ضمن اشاره به شکایت چهار کارمند زن دیگر از آزار و اذیت‌های جنسی رئیس کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، به اینکه رئیس این سازمان «...از طریق تهدید و تطمیع و ... به شدت از اختیارات خود برای تأثیر گذاشتن بر نتایج تحقیقات سوء استفاده کرده است» نیز تصریح شده بود (Lynch, Feb 2005).

به منظور کسب اطلاعات دقیق‌تر در زمینه دلیل تشکر دیر کل سازمان ملل از «تعهد» و «از خود گذشتگی» آقای رود لوبرتس هم می‌توان به دفتر تهران کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۳ مراجعه کرد و به همان تعریف دقیق پیشین از «جریان آزاد اطلاعات» از نگاه سازمان ملل رسید. آنچه مسلم است اینکه خود رود لوبرتس در جریان تحقیقات به رفتارهای «دوستانه‌ای»^۴ اعتراف کرده بود که به زعم او برای کارمندان مؤنث سبب سوء تفاهم شده بود (BBC, 2004) و واضح است در سازمانی که رفتار «دوستانه» مدیران ارشدی مثل آقای رود لوبرتس یا خانم کارینا پریلی در آن به شرحی است که گفته شد، از رده‌های پایین‌تری مثل «نیروهای حافظ صلح» یا «نیروهای برقرارکننده ثبات» نه «می‌توان» و نه «باید» انتظار پرهیزکاری داشت.

1. Rudolphus Franciscus Marie "Ruud" Lubbers.

2. U.N. Office of Internal Oversight Services.

3. The office of the United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR): <http://unhcr.org.ir/>

4. friendly gesture.

حمایت از تروریسم

متأسفانه ابعاد نقض واقعی حقوق بشر آن هم توسط سازمان ملل متحد، به مراتب از آنچه گفته شد، فراتر رفته است؛ چرا که امروزه کاهنان معبد دین مجعولی که مزورانه در سازمان ملل «حقوق بشر» نام گرفته است، در عمل نشان داده‌اند هر کجا که حصول به منافعی، ممکن ارزیابی شود، به‌سادگی با تکفیر دیگران، فتوای قتل و غارت از راه حمله نظامی صادر می‌کنند و به‌همین دلیل است که در دنیای امروز، کشوری مثل سوریه را از سال ۲۰۱۱ تا زمان نگارش این مقاله، محل ائتلاف باورنکردنی «تکفیری‌های فکل کراواتی ملل متحد» با «تکفیری‌های وهابی» می‌بینیم؛ طوری که وقتی تکفیری وهابی به بهانه «صیانت از موازین شریعت» از هر کجای جهان که بتواند آدمکش اجیر کرده، هر جنایتی که این آدمکش‌ها علیه مردم سوریه مرتکب می‌شوند، بر اساس دین خود نه «مباح» که «واجب» معرفی می‌کند، تکفیری‌های حقوق بشری ملل متحد هم به بهانه «صیانت از موازین حقوق بشر» از این جنایتکاران حمایت همه‌جانبه به عمل می‌آورند و اعضای شورای امنیت سازمان ملل نیز از هیچ تلاشی برای سرکوب نیروهای مقاوم در برابر این دو جریان تکفیری فروگذار نمی‌کند.

این موضوع که تلاش‌های مکرر «تکفیری‌های حقوق بشری» برای حمایت همه‌جانبه از «تکفیری‌های وهابی» شورای امنیت ملل متحد (قطعنامه S/2011/612 جلسه شماره ۴ مورخ ۴ اکتبر ۲۰۱۱، قطعنامه S/2012/77 جلسه شماره S/PV.6810 مورخ ۴ فوریه ۲۰۱۲، قطعنامه S/2012/538 جلسه شماره S/PV.6711 مورخ ۱۹ جولای ۲۰۱۲ و قطعنامه S/2014/348 جلسه شماره S/PV.7180 مورخ ۲۲ می ۲۰۱۴، United Nations, 2014) تنها به دلیل عدم همراهی دو عضو دایم این شورا با «وتو» مواجه شده است، به هیچ وجه اهمیت تأسفبار این واقعیت تکان‌دهنده را کاهش نمی‌دهد که تلاش برای حمایت همه‌جانبه از این نسل جدید از نیروهای ملل متحد (از تأمین پوشش هوایی از راه ایجاد مناطق پرواز ممنوع تا برخورد حقوقی با نیروهای مقاوم در برابر آنها در دادگاه جنایی بین‌المللی^۱) خواسته مصرانه سه عضو دایم شورای امنیت بوده است.

جالب توجه اینکه در تکمیل این حمایت همه‌جانبه از ترور، شخص دبیر کل سازمان ملل هم در تملق جانانه از حامیان وهابی تروریست‌های تکفیری، چنان سنگ تمام می‌گذارد که در ۷ اگوست ۲۰۱۳ روی تارنمای رسمی سازمان ملل می‌خوانیم:

دبیر کل سازمان ملل مراتب قدردانی صمیمانه خود را از خادم دو مکان مقدس، شاه عبدالله بن عبدالعزیز السعود سلطان عربستان سعودی، به دلیل مشارکت سخاوتمندانه مالی یکصد میلیون دلاری در کمک به تلاش‌های سازمان ملل متحد برای مبارزه با تروریسم اعلام

1. International Criminal Court.

می‌دارد. دبیر کل همچنین از کشور پادشاهی عربستان سعودی سپاسگزاری می‌کند که تحت رهبری خردمندانۀ پادشاه خود، این مشارکت قابل توجه را به منظور تقویت صلح و امنیت بین‌المللی و به‌ویژه مبارزۀ جهانی با تروریسم به‌عمل می‌آورد. عربستان سعودی در جایگاه یکی از کشورهای مؤسس سازمان ملل، پیوسته از تلاش‌های سازمان ملل در همه جای جهان و در عرصه‌های گوناگون حمایت کرده است و این مشارکت اخیر نیز توانایی سازمان ملل را برای کمک به کشورهای عضو از طریق مرکز مقابله با تروریسم سازمان ملل (UNCCT) و نیز دیگر نهادهای مربوط، به‌منظور اجرای راهبرد جهانی سازمان ملل برای مقابله با تروریسم که در قطعنامه A/RES/۶۰/۲۸۸ سال ۲۰۰۶ به‌تصویب مجمع عمومی رسیده است، بسیار تقویت خواهد کرد (Ki-Moon, 2013).

این در حالی است که دقیقاً دو ماه پس از قرار گرفتن چاپلوسی مثالزدنی ۷ آگوست دبیر کل روی تارنمای سازمان ملل، یعنی در ۷ نوامبر ۲۰۱۳، گاردین از تخصیص میلیون‌ها دلار توسط رژیم سعودی برای تجهیز و آموزش گروه‌های تروریستی جدید در سوریه گزارش می‌دهد (Black, 2013) و ۷ ماه بعد، یعنی در ۲۲ مارس ۲۰۱۴، هم خبرگزاری رسمی سوریه از تحویل مدارک شناسایی ۲۲۸ تروریست به‌هلاکت‌رسیده در درگیری‌های سوریه که همگی دارای تابعیت سعودی بوده‌اند، به شورای امنیت سازمان ملل متحد خبر می‌دهد (Ismael, 2014). وقتی پیروزی‌های ارتش سوریه علیه تکفیری‌های وهابی و برگزاری موفقیت‌آمیز انتخابات ریاست جمهوری سوریه که دبیر کل سازمان ملل دولت سوریه را اکیداً از برگزاری آن منع کرده بود (Yan, 2014)، در ۳ ژوئن ۲۰۱۴ در نهایت به آغازی برای پایان کار «جنایتکاران تکفیری تحت حمایت سازمان ملل متحد» در سوریه بدل می‌شود، برگزاری انتخابات در عراق به بهانه‌ای برای مأموریت جدید این جنایتکاران علیه دولتی تبدیل می‌شود که با عدم اعطای مصونیت کامل قضایی به چهل هزار نیروی نظامی آمریکایی مستقر در خاک عراق، زمینه‌های برچیده شدن پایگاه‌های این نیروها را در پایان سال ۲۰۱۱ فراهم آورده بود (Lamothe, 2014) و به این ترتیب هم بود که تکفیری‌هایی که نظامیان آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی در اردوگاه‌های برپاشده در خاک اردن و ترکیه (Borger & Hopkins, 2013) با تسلیحات تأمین‌شده به‌خرج عربستان (Klein, 2014) آموزش داده بودند، پس از ارتکاب به فجیع‌ترین جنایت‌ها و انتشار تصاویر این جنایت‌ها توسط رسانه‌ها به‌نام دین‌ورزی در سوریه، مأموریت می‌یابند تا در حالی از طریق انتقال آشوب به عراق صدام‌زده و جنگ‌زده به‌دلیل عدم اعطای مصونیت کامل قضایی به نیروهای آمریکایی، تغییر حکومت برگرفته از رأی مردم در عراق یا تجزیۀ عراق با حمایت تلویحی سازمان ملل متحد باشد که تارنماهای شبه‌مذهبی آخرالزمانی^۱ مسیحی

1. Apocalyptic.

از گفته‌ها تا اعمال: پرونده حقوق بشر سازمان ملل متحد (Before It's News, 2014) و صهیونیست (Sandbox, 2014) از مهیا شدن شرایط برای آغاز جنگ جهانی سوم توسط داعش می‌نویسند.

نقض مکرر منشور ملل متحد

از منظر حقوق بین‌الملل، وقوع تمام این فاجعه‌های شرم‌آور ضد انسانی تحت حمایت سازمان ملل را باید نتیجه بی‌اعتنایی روزافزون به بند ۷ از ماده ۲ منشور در سازمان ملل دانست که در آن تصریح شده است «هیچ یک از محتویات منشور، به سازمان ملل اجازه دخالت در اموری که ماهیتاً به صلاحیت داخلی کشورها مربوط می‌شود، نخواهد داد» و درباره این بی‌توجهی به منشور، باید گفت که از مذاکرات مربوط به تنظیم منشور ملل متحد در سانفرانسیسکو، اسناد فراوانی در زمینه نحوه ارجاع به مفهوم «صلاحیت داخلی» در منشور ملل متحد به جا مانده است که نگاهی هرچند گذرا به این اسناد نشان می‌دهد که برای مثال، در مذاکرات اجلاس سانفرانسیسکو نسبت به استفاده از عبارت «منحصراً در حوزه صلاحیت داخلی»^۱ به جای عبارت «ماهیتاً در حوزه صلاحیت داخلی»^۲ در بند ۷ از ماده ۲ پیش‌نویس تهیه‌شده در دامبرتون اوکز^۳ برای متن منشور، به شدت مخالفت شد تا حتی در اموری مثل «محدود کردن مهاجرت» یا «نحوه برخورد با اتباع بیگانه» و موارد مشابه که به یقین منحصراً به صلاحیت داخلی فقط یک کشور مربوط نخواهد شد، اما به هر حال به ضرورت یا در صلاحیت داخلی یک کشور قرار خواهد گرفت، با هیچ تفسیری به سازمان ملل اجازه دخالت داده نشده باشد.^۴

همچنین، در این مذاکرات با تمام پیشنهادهایی که خواهان تنظیم متن منشور به صورتی بودند که تعیین «در حوزه صلاحیت داخلی»^۵ کشورها بودن یا نبودن امور بر عهده دیوان بین‌المللی دادگستری باشد، مخالفت شد تا تفسیر بند ۷ از ماده ۲ منشور فقط و فقط به توافق میان کشورهای عضو سپرده شود و نیز در پی این گفت‌وگوها بود که بحث احترام به «صلاحیت داخلی» کشورها که بی‌توجهی به آن یکی از دلایل عمده بروز جنگ‌های پیشین تلقی می‌شد، در نهایت در متن «منشور ملل متحد» طوری لحاظ شد که در عمل همه چیز منشور سازمان ملل متحد (به غیر از شورای امنیت که در حقیقت کلوپ انحصاری برندگان

1. Solely within the domestic jurisdiction.
2. Essentially within the domestic jurisdiction.
3. Dumbarton Oaks.

۴. جالب توجه‌تر آنکه در جریان مذاکرات سانفرانسیسکو، نه فقط برخورد با اتباع بیگانه، مهاجرت و... در حوزه صلاحیت داخلی تلقی شده، بلکه جنگ داخلی (Civil War) هم مسئله‌ای داخلی دانسته شده است که رسیدگی به آن جز از طریق تدابیر فصل هفتم در سازمان ملل قابل رسیدگی نیست.

5. within the domestic jurisdiction.

جنگ جهانی دوم است) تحت سیطره کامل این اصل قرار گرفت و به همین دلیل است که در بند ۷ از ماده ۲ منشور می‌خوانیم «هیچ‌یک از محتویات منشور، به سازمان ملل اجازه دخالت در اموری که ماهیتاً به صلاحیت داخلی کشورها مربوط می‌شود، نخواهد داد» و تنها استثنا هم وقتی تعیین شده است که موضوعی چنان به لحاظ امنیتی مشکل‌آفرین شده باشد که در قالب تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام به تجاوز، در فصل هفتم^۱ از منشور قابل رسیدگی باشد.^۲

همچنین در فصل هفتم منشور، همان‌طور که می‌دانیم، بحث «حقوق بشر» یا «حقوق حیوانات» مطرح نیست و «نظم مورد علاقه قدرت‌های فاتح جنگ جهانی دوم» ملاک اصلی رسیدگی هاست؛ چرا که در حقیقت، بر اساس منشور «هر اقدامی» با هر توجیهی را که یکی از اعضای دائمی شورای امنیت بر اساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کند، در صلاحیت شورای امنیت قرار خواهد گرفت که البته هم ماهیت و هم میزان لازم‌الاجرا بودن قطعنامه‌های با عنوان لازم‌الاجرای این شورا هم، همواره به بندوبست‌های سیاسی مبتنی بر قدرت^۳ در جهان بستگی داشته است، گو اینکه تاریخ نشان داده رژیم اشغالگر قدس هرگز قصد نداشته است به قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷، با وجود گذشت بیش از چهل سال، به هیچ وجه اعتنا کند.

افزون بر آن، در منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ نه در ماده ۱، نه ۵۵ و نه ۵۶ به‌عمد به مفهوم حقوق بشر ارجاع مستقیم^۴ داده نشده است و هر چند برای مثال در بند ۳ از ماده ۱ منشور، یکی از اهداف تشکیل سازمان ملل متحد تشویق به احترام به «حقوق بشر»^۵ و «آزادی‌های اساسی»^۶ برای همهٔ ابنای بشر بدون توجه به جنسیت، نژاد، زبان و مذهب معرفی شده است، این ارجاع در حقیقت حاکی از نوعی توافق برای اظهار بی‌زاری مشترک^۷ از ادعاهای

۱. عنوان فصل هفتم "Action with respect to threats to the peace, breaches of the peace, and acts of aggression" است.

2. Nothing contained in the present Charter shall authorize the United Nations to intervene in matters which are essentially within the domestic jurisdiction of any state or shall require the Members to submit such matters to settlement under the present Charter; but this principle shall not prejudice the application of enforcement measures under Chapter VII. - Charter of the United Nations (signed at San Francisco on 26 June 1945), Chapter I. Purposes and principles, articles 1-2. Available on line at: <http://www.un.org/aboutun/charter/chapter1.htm>

3. Power Politics.

4. explicit reference.

5. Human Rights.

6. Fundamental Freedom.

۷. واژه United Nations به‌معنی «ملت‌های متحد» را در سال ۱۹۴۲ فرانکلین دلانو روزولت (Franklin D.

Roosevelt)، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، برای خطاب قرار دادن کشورهای متحد ایالات متحده در جنگ با کشورهای متحد آلمان ساخت.

هیتلری برتری نژاد ژرمن بود؛ چرا که اگر بنا بر غیر از این فهم مشترک بود، به یقین باید مانند تمام اسناد بین‌المللی معتبر، در یکی از بندها یا فصل‌های پیشین منشور ملل متحد درباره اینکه به‌طور مشخص به کدام حق‌ها در منشور ملل متحد «حقوق بشر» گفته می‌شود و اساساً کدام آزادی‌ها بر اساس منشور «آزادی‌های اساسی» تلقی می‌شود، به صراحت سخنی به میان می‌آمد؛ در حالی که بر اساس اسناد موجود، تهیه‌کنندگان منشور به‌عمد دقیقاً برعکس عمل کرده و عمداً با هرگونه «تصریح» مخالفت کرده‌اند.

در حقیقت، در زمان تنظیم منشور عبارت «آزادی‌های اساسی» از سخنرانی مشهور به «آزادی‌های چهارگانه»^۲ روزولت اقتباس شده بود که عبارت از آزادی بیان^۳، آزادی مذهب^۴، آزادی از ترس^۵ و آزادی از نیاز^۶ بود. دو حق آزادی از ترس و آزادی از نیاز به‌طور رسمی به‌منزله آزادی‌های ضروری در منشور آتلانتیک^۷ مورد توافق قرار گرفت؛ چرا که «ترس» از طریق سازوکارهای مختلفی مانند معمای امنیت^۸ و «نیاز» بنا بر نظریه‌های مختلفی همچون «نظریه فضای مورد نیاز برای رشد جمعیت» مالتوس، از دیرباز در زمره عوامل شناخته‌شده بروز جنگ‌ها به‌شمار می‌رفتند. در مذاکرات سانفرانسیسکو، اگرچه هیئت نمایندگی ایالات متحده اصرار داشت که مفهوم «آزادی‌های اساسی» علاوه بر آنچه در منشور آتلانتیک به‌رسمیت شناخته شده است، شامل آزادی بیان هم می‌شود، از آنجا که منظور هیئت آمریکایی از آزادی بیان، انتشار آزادانه تبلیغات آمریکایی به بهانه تبادل آزاد اطلاعات در دیگر کشورهای جهان ارزیابی می‌شد، درباره این موضوع به‌شدت اختلاف نظر ایجاد شد. در این زمان، یکی از پیشنهادها برای خاتمه دادن به بحث‌ها، الحاق یک اعلامیه حقوق بشر به منشور بود که با چنین الحاقیه‌ای هم با قاطعیت مخالفت شد. بنابراین، به‌منظور ممانعت از تشدید اختلاف نظرها و خروج مذاکرات از بن‌بست، تمام بحث‌های مرتبط با هرگونه «تصریح» در زمینه «حقوق بشر» و «آزادی‌های اساسی» به پس از تشکیل سازمان ملل موکول شد.^۹

1. The Charter was created primarily to avoid a recurrence of the horrors experienced during World War II. Although the UN Charter addresses the need to protect human rights, in order to avoid controversy which might have scuttled the UN's creation, it did not actually define the terms included. (Questions and answers about the Universal Declaration of Human Rights, United Nations Association in Canada, available on line at: <http://www.unac.org/rights/question.html>)

2. Four Freedoms.

3. Freedom of Speech.

4. Freedom of Religion.

5. Freedom from Fear.

6. Freedom from Want.

7. Atlantic Charter.

8. Security Dilemma.

9. Charter of United Nations, Report to the President on the Result of San Francisco conference, p38.

در متن آنچه مجمع عمومی سازمان ملل تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ تصویب کرده است نیز تلاش جدی تنظیم‌کنندگان برای مبنا قرار گرفتن «صلاحیت‌های داخلی» بر اساس منشور ملل متحد مشهود است؛ چرا که برای مثال در بند ۱ از ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به جای آزاد اعلام کردن نقل مکان بدون ویزای همهٔ این‌بای بشر به هر کجای جهان -حقی که بسیاری از پرنندگان و حتی حشرات در جهان از آن برخوردارند- تصریح شده است که برخلاف دیگر موجودات زنده، انسان‌ها فقط حق دارند در درون مرزهای کشور متبوع خویش به هر کجا که بخواهند نقل مکان کنند^۲. همچنین، در بند ۲ از همین ماده، خروج از کشور متبوع خود آزاد اعلام شده؛ اما پس از خارج شدن، ورود فقط به صورت بازگشت به کشور متبوع خویش حق جهانی هر انسان قلمداد شده است^۳.

ادامهٔ ترور و تکفیر در تبعیت از آمریکا

آنچه امروزه در قالب «تکفیرهای حقوق بشری» سازمان ملل قابل مشاهده است، ریشه در این واقعیت دارد که جهان پس از جنگ جهانی دوم، نه به سمت «صلح» که در حقیقت به سوی «جنگ سرد» در حال حرکت است و در این نوع جنگ هم «تکفیر» سلاح اصلی به شمار می‌رود.

در زمینهٔ ارتباط میان ترور و تکفیر در این شیوهٔ جنگ نیز حکم نهایی صادر شده در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ دیوان بین‌المللی دادگستری دربارهٔ «پروندهٔ مربوط به فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و علیه این کشور»^۴ شایسته توجه است که در بند ۲۶۸ آن تصریح شده است:

... تحت هر شرایطی، اگرچه ایالات متحده می‌تواند ارزیابی‌های مختص به خود را از وضعیت احترام به حقوق بشر در نیکاراگوئه داشته باشد، استفاده از زور شیوهٔ مناسب برای نظارت بر وضعیت حقوق بشر یا حصول اطمینان از احترام به حقوق بشر تلقی نمی‌شود. در زمینهٔ اقدام‌هایی که ایالات متحده در عمل انجام داده است، دربارهٔ وضعیت حقوق بشر در نیکاراگوئه نیز باید اضافه شود که صیانت از حقوق بشر که به تأکید هدفی بشردوستانه است، با مینگذاری بنادر، انهدام تأسیسات نفتی یا با دادن آموزش نظامی و سلاح و تجهیزات به

1. Universal Declaration of Human Rights.

2. Article 13-1: Everyone has the right to freedom of movement and residence within the borders of each state.

3. Article 13-2: Everyone has the right to leave any country, including his own, and to return to his country

4. Case Concerning The Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America).

چریک‌های ضد دولتی همخوانی ندارد. بنابراین، دادگاه نتیجه می‌گیرد که مباحث مبتنی بر موضوع صیانت از حقوق بشر در نیکاراگوئه، توجیه حقوقی برای رفتار ایالات متحده ندارد.^۱

ماجرای پرونده مذکور از این قرار بود که در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ در نیکاراگوئه چیزی شبیه به یک انقلاب علیه ژنرال آناستازيو سوموزوا^۲ که از ۱۹۳۶ رئیس جمهور مادام‌العمر نیکاراگوئه بود، به رهبری حزب ساندانیستا^۳ به وقوع پیوست که به سرعت اصلاحات اجتماعی و سیاسی را در این کشور آغاز کرد و در انتخابات سال ۱۹۸۴ هم که به گواهی ناظران بین‌المللی یکی از آزادترین انتخابات‌ها در آمریکای لاتین در زمان خود بود، این حزب با کسب ۶۷ درصد آرا به‌طور رسمی به قدرت رسید. اما از همان ابتدا، دولت آمریکا از کنار گذاشته شدن آناستازيو سوموزوا که ژنرالی دوره‌دیده در وست‌پوینت آمریکا بود، ناخشنودی خود را پنهان نکرد و به دستور کارتر از ۱۹۸۱ آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا (سی‌آی‌ای) اقدام‌های گسترده‌ای به‌منظور براندازی دولت ساندانیستا آغاز کرد که از جمله این اقدام‌ها، سازمان‌دهی حمله‌های تروریستی در تمام خاک نیکاراگوئه، مینگذاری سواحل این کشور، تحریم تجاری و تشکیل گروه چریکی مخالفی موسوم به کنترا بود. مزدوران کنترا که مأموران آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا آنها را آموزش می‌دادند و آمریکا تجهیزشان می‌کرد، در نیکاراگوئه به مدارس، مراکز درمانی، ساختمان‌های دولتی و در عمل به همه چیز حمله می‌کردند و بمبگذاری، کشتار دسته‌جمعی، آدم‌ربایی و تجاوز به زنان و حتی کودکان از جمله کارهای روزمره آنها بود.

در ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ در پی شکایت سال ۱۹۸۴ نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری (با دوازده رأی موافق در برابر سه رأی مخالف) آمریکا را به دلیل تمام این اتهام‌ها و بسیاری مسائل دیگر، از جمله تهیه و توزیع جزوه‌ای با عنوان «عملیات روانی در جنگ چریکی»^۴ در میان چریک‌های مزدور کنترا، بر اساس قوانین بین‌المللی و با عبارت‌های قاطعی نظیر استفاده غیرقانونی از زور^۵ و نقض تعهدات پذیرفته‌شده در قالب عرف قانون بین‌الملل^۶، مجرم اعلام کرد و ادعاهای آمریکا مبنی بر «دفاع از خود» بودن ماهیت این‌گونه اقدام‌ها را نیز قابل

1. International Court of Justice (1986): "CASE CONCERNING THE MILITARY AND PARAMILITARY ACTIVITIES IN AND AGAINST NICARAGUA (NICARAGUA v. UNITED STATES OF AMERICA)", Paragraph 268, pp 134-135 (244-245 of the pdf file). Available (1393/03/25) online at: <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?sum=367&p1=3&p2=3&case=70&p3=5> <http://www.icj-cij.org/docket/files/70/6503.pdf>

2. Anastasio ("Tachito") Somoza DeBayle (5 December 1925 – 17 September 1980): Nicaraguan dictator and officially the 73rd and 76th President of Nicaragua from 1 May 1967 to 1 May 1972 and from 1 December 1974 to 17 July 1979.

3. The Sandinista National Liberation Front (Spanish: Frente Sandinista de Liberación Nacional, or FSLN): a social democratic political party in Nicaragua.

4. Operaciones psicológicas en guerra de guerrillas.

5. Unlawful use of force.

6. Breach of its obligation under customary international law.

کرد و ادعاهای آمریکا مبنی بر «دفاع از خود» بودن ماهیت این گونه اقدامها را نیز قابل پذیرش ندانست و در ۱۹۸۷ آمریکا را به دلیل واردکردن زیانهای ناشی از اقدامهای تروریستی به نیکاراگوئه، به پرداخت هفده میلیارد دلار خسارت به این کشور محکوم کرد. اما آمریکا نه تنها اعتنایی به این حکم دیوان نکرد، بلکه حتی اعلامیه خود مبنی بر پذیرش لازم الاجرا بودن احکام دیوان را هم پس گرفت. البته پیش از نهایی شدن این حکم دیوان، از خانم جین کرکپاتریک^۱ - استاد علوم سیاسی دانشگاه جرج تاون و سفیر وقت آمریکا در سازمان ملل - مصاحبه مشهوری برجای مانده که در آن دیوان بین‌المللی دادگستری «یک مجموعه شبه‌حقوقی، شبه قضایی و شبه سیاسی که کشورها گاه آرای صادر شده توسط آن را می‌پذیرند و گاه نمی‌پذیرند» (Times Daily, 1984) معرفی شده است.

در پی آنکه ایالات متحده حکم دیوان را نادیده گرفت، مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۸۷ از آمریکا خواست که از رأی دیوان متابعت کند و در ۱۹۸۸ هم این درخواست را تکرار کرد که این هر دو درخواست به بهانه اینکه آمریکا دولت نیکاراگوئه را دولتی «دیکتاتوری، تمامیت‌خواه و کمونیست» می‌خواند، نادیده گرفته شد. اما گذشت زمان نشان داد که «دیکتاتوری و تمامیت‌خواه نامیدن دولت سوسیال دموکرات ساندانیستا چیزی بیش از «تکفیری» نبود؛ نه فقط به این دلیل که انتخابات سال ۱۹۸۴ به گواهی ناظران بین‌المللی یکی از آزادترین انتخاباتها در آمریکای لاتین بود، بلکه همچنین به این دلیل که در انتخابات سال ۱۹۹۰ نیکاراگوئه نیز، دانیل اورتگا^۲ که نخستین بار در سال ۱۹۸۵ به ریاست جمهوری نیکاراگوئه انتخاب شده بود، از خانم ویولتا چامورو^۳ که سیاستمداری طرفدار آمریکا تلقی می‌شد و آمریکا هم نه میلیون دلار به نفع او در انتخابات هزینه کرده بود، در حالی شکست خورد که برادرش ژنرال اومبرتو اورتگا^۴ فرمانده کل نیروهای مسلح در نیکاراگوئه بود و این سمت را تا سال ۱۹۹۵ که بازنشسته شد در اختیار داشت و در صورت داشتن گرایش‌های غیر دموکراتیک، می‌توانست مانند بسیاری دیگر از کشورهای آمریکای لاتین نتیجه انتخابات را قبول نکند. جانشین اومبرتو اورتگا هم از ۱۹۹۵ به بعد، یکی از ژنرال‌های وفادار به او به نام خوناکین کوادرا^۵ است؛ اما با وجود این، دانیل اورتگا پیش از اینکه در نوامبر ۲۰۰۶ طی

1. Jeane Duane Kirkpatrick (née Jordan; December 19, 1926 – December 7, 2006): American political scientist and United States ambassador to the United Nations (1981-1985).
2. José Daniel Ortega Saavedra.
3. Violeta Barrios Torres de Chamorro (born October 18, 1929): a Nicaraguan political leader, former president and publisher.
4. General Humberto Ortega Saavedra (born January 10, 1947).
5. Joaquín Cuadra Lacayo.

انتخاباتی که تمام ناظران بین‌المللی از جمله نمایندگان جیمی کارتر رئیس‌جمهور سابق آمریکا صحت آن را تأیید کرده‌اند، دوباره به ریاست جمهوری نیکاراگوئه برگزیده شود، یک بار در انتخابات سال ۱۹۹۶ و بار دیگر در انتخابات سال ۲۰۰۱ از دور رقابت‌ها حذف شد. امروز نیکاراگوئه در حالی با ۵ میلیون و ۳۵۹ هزار و ۷۵۹ نفر جمعیت و ۵/۸۳۳ میلیارد دلار بدهی خارجی، رکورد بیشترین رقم سرانه بدهی خارجی در جهان را به‌خود اختصاص داده که به‌موجب حکم «هیچ» تلقی شده دیوان بین‌المللی دادگستری، سه برابر این رقم را از آمریکا طلبکار است. هرچند از سال ۱۹۹۱ به بعد اوضاع در سازمان‌های بین‌المللی ایجادشده با محوریت برندگان جنگ جهانی دوم، کم‌وبیش به نفع برندگان جنگ سرد در حال تغییر بوده است، محفوظ ماندن حق وتوی برندگان جنگ جهانی دوم در شورای امنیت سازمان ملل، توسل به ترفندهای مشابه دوران جنگ سرد را همچنان در دستور کار برندگان جنگ سرد باقی گذاشته است. از آنجا که «کمونیسم» که به بهانه مقابله با آن حتی از جنایت‌های رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی حمایت شده بود، پس از پایان جنگ سرد به‌منظور «تکفیر» دیگر کارایی لازم را نداشت، بهانه‌هایی مانند «صیانت از حقوق بشر» یا «گسترش دموکراسی» برجسته‌تر شد. شاید به‌همین دلیل هم بود که جان نگرپونته^۱ که از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ در جایگاه سفیر آمریکا در هندوراس هماهنگ‌کننده اصلی عملیات ترور علیه مردم نیکاراگوئه به بهانه مقابله با نفوذ کمونیسم بود، از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ سفیر آمریکا در سازمان ملل و بی‌درنگ پس از اشغال عراق توسط آمریکا، سفیر آمریکا در عراق شد (Nichols, 2004). محل‌های پیشین مأموریت سفیر فعلی آمریکا در عراق نیز حکایت از ارتباط جالب توجهی میان رویدادهای مصر، سوریه و عراق دارد که پرداختن به آن از حوصله این نوشته خارج است.

با این اوصاف، تردیدی وجود ندارد که ظهور جنایتکاران تکفیری تحت حمایت سازمان ملل در خاورمیانه، حاصل فرایندی چنددهه‌ساله برای بی‌اعتنایی برخی اعضای سازمان ملل به منشور ملل متحد است و هرچند وتوی دو عضو دایم امکان پشتیبانی رسمی مالی و نظامی این نیروها را از سازمان ملل در جایگاه نهادی بین‌المللی سلب کرده است، دیگر اعضای دایم حتی تلاش هم نکرده و نمی‌کنند تا حمایت‌های همه‌جانبه خود را از این نیروها پنهان کنند. اینکه آیا در نهایت اعضای سازمان ملل قادر خواهند بود انحرافی را کنترل کنند که منجر به پدید آمدن نسل شرم‌آوری از نیروهای سازمان ملل شده است، موضوع این نوشته نیست. آنچه مسلم است اینکه تا وقتی بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان تسلیحات در جهان، اعضای «اصلی» شورای امنیت ملل متحد را تشکیل داده‌اند، آینده‌ای که در آن جهان کمتر از گذشته نیازمند به تسلیحات باشد، به هیچ وجه از نظر سازمان ملل متحد آینده‌ای آرمانی نخواهد بود.

1. John Dimitri Negroponte.

نتیجه

پرونده حقوق بشری سازمان ملل متحد یکی از سیاه‌ترین پرونده‌های نقض حقوق بشر در سراسر جهان است که تحت حمایت رسانه‌های وابسته به جریان سلطه طی سال‌های گذشته اغلب تحت عنوان تخلف‌های موردی مدیران یا سربازان دارای ملیت‌های خاص، به اشکال مختلف پنهان‌سازی شده است؛ به طوری که هرگز هیچ محاکمه‌ای برای جنایتکاران وابسته به سازمان ملل اعم از سربازان، فرماندهان یا مدیران ارشد این سازمان شکل نگرفته و بیشترین مجازات برای مرتکبان این‌گونه جنایت‌ها در سازمان ملل، انواع توبیخ‌های اداری بوده است. در حال حاضر، سازمان ملل متحد به بازوی اصلی مشروعیت بخشیدن به حمایت از شکل‌گیری تروریسم تکفیری در میان مسلمانان، تحت عنوان صیانت از حقوق بشر و سپس مداخله نظامی در کشورهای مسلمان، دقیقاً به‌همین بهانه، بدل شده است و اگرچه عملکردهای مشابه این سازمان در طول سال‌های جنگ سرد سوابق عدیده‌ای داشته، اکنون این‌گونه اقدام‌ها مشکل اصلی ملت‌های مسلمان شده است. اگرچه در بند ۷ از ماده ۲ منشور در سازمان ملل تصریح شده است که «هیچ‌یک از محتویات منشور، به سازمان ملل اجازه دخالت در اموری که ماهیتاً به صلاحیت داخلی کشورها مربوط می‌شود، نخواهد داد»، سازمان ملل «حقوق بشر» را به‌صورت دینی نوظهور چنان تبلیغ کرده که تکفیر کشورهای ضعیف نسبت به این دین طی سال‌های گذشته بهانه کافی برای قدرت‌های بزرگ یا رژیم‌های وابسته به‌منظور نقض حاکمیت این کشورها در موارد متعددی بوده است و این همه در حالی است که حمایت از دولت‌های سرکوب‌کننده دست‌نشانده (از به خاک و خون کشیدن تظاهرات خیابانی و دستگیری رهبران آزادیخواه تا بمباران زیرساخت‌های اقتصادی و تبدیل تمام خاک کشورهای آزادی‌خواه به زندانی همگانی از طریق محاصره نظامی)، چه به‌طور تلویحی و چه علنی، به بهانه‌های مختلف مورد حمایت سازمان ملل متحد بوده است و اینها پرونده سنگینی است از مواردی که سازمان ملل متحد حقوق بشر را نقض کرده و هنوز هیچ نهاد یا تشکل ملی یا فراملی در جهان مسئولیت رسیدگی یا دست‌کم بازخوانی آن را نپذیرفته است.

منابع و مأخذ

1. BBC (28 October, 2004): "Kofi Annan 'vetoed UN sex claim': A senior UN official was cleared of sexual harassment earlier this year because the secretary general rejected the verdict of an internal watchdog", Available (1392/12/25) online at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/3963639.stm>
2. BBC (Thursday, 31 March, 2005, 10:42 GMT 11:42 UK): "UN boss faces harassment charge", Available (1393/01/15) on line at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/americas/4396577.stm>
3. Before It's News (June 16, 2014): "ISIS Crisis sets stage for World War III", Available (1393/04/17) online at: <http://beforeitsnews.com/alternative/2014/06/isis-crisis-sets-stage-for-world-war-iii-2975560.html>

4. Black, Ian (Guardian, 7 November 2013): "Syria crisis: Saudi Arabia to spend millions to train new rebel force", available (1392/12/25) online at: <http://www.theguardian.com/world/2013/nov/07/syria-crisis-saudi-arabia-spend-millions-new-rebel-force>
5. Borger, Julian and Nick Hopkins (The Guardian, Friday 8 March 2013): "West training Syrian rebels in Jordan", Available (1393/04/17) online at: <http://www.theguardian.com/world/2013/mar/08/west-training-syrian-rebels-jordan>
6. Ismael, M. (Syrian Arab News Agency, Mar 22, 2014): "Syria hits out at Saudi regime's lack of action to stop instigation of terrorism", Available (1393/01/03) on line at: <http://sana.sy/eng/21/2014/03/22/534667.htm>
7. Ki-Moon, Ban (United Nations, 7 August 2013): "Statement Attributable to the Spokesperson for the Secretary-General on the New Financial Contribution of Kingdom of Saudi Arabia for the United Nations Counter-Terrorism Centre" available (1392/12/25) online at: <http://www.un.org/sg/statements/?nid=7005>
8. Klein, Aaron (World Net Daily, 2014/06/17): "WND Exclusive: Blowback! U.S. trained Islamists who joined ISIS" Available (1393/04/17) online at: <http://www.wnd.com/2014/06/officials-u-s-trained-isis-at-secret-base-in-jordan/>
9. Nichols, Bill (USA TODAY, 2004/04/19): "Bush names U.N. ambassador as envoy to Iraq" Available (1393/03/25) online at: http://usatoday30.usatoday.com/news/washington/2004-04-19-iraq-ambassador_x.htm
10. Rampietti, Alessandro (Al Jazeera, 16 Nov 2010): "Haiti cholera protest turns violent: Protesters clash with UN peacekeepers in second-largest city of Cap Haitien over epidemic that has killed more than 900", Available (1393/01/15) online at: <http://www.aljazeera.com/news/americas/2010/11/20101115165524154228.html>
11. Sandbox Tactics (June 13, 2014): "ISIS Paving the Way to WWII" Available (1393/04/17) online at: <http://sandboxtactics.com/international/isis-paving-way-wwiii/>
12. Times Daily (May 13, 1984, p 17): "Ruling illustrates World Court's lack of real jurisdiction", Available (1393/03/25) online at: <http://news.google.com/newspapers?nid=1842&dat=19840513&id=e5UpAAAIAIBAJ&sjid=tcEAAAIAIBAJ&pg=1618,2977971>
13. Farley, Maggie (Los Angeles Times, December 18, 2004): "Congo Sex Scandal Prompts Efforts for Reform in U.N." Available (1392/12/25) online at: <http://articles.latimes.com/2004/dec/18/world/fg-congo18>
14. Gutman, Roy (Seattle Times, November 1, 1993): "U.N. Troops Used Serbs' Sex Slaves -- Witnesses See Peacekeepers At Brothel Near Serb Camp", Available (1392/12/25) online at: <http://community.seattletimes.nwsouce.com/archive/?date=19931101&slug=1729392>
15. Jordan, Michael J. (Christian Science Monitor, November 26, 2004): "Sex charges haunt UN forces", Available (1392/12/24) online at: <http://www.csmonitor.com/2004/1126/p06s02-wogi.html>
16. Leopold, Evelyn (Reuters, February 28, 2005): "UN Congo Envoy May Leave Amid Peacekeeper Scandal", Available (1392/12/25) online at: <http://today.reuters.com/News/CrisesArticle.aspx?storyId=N28507461>
<http://www.humanrightsvoces.org/site/articles/?a=384>
http://www.humanrightsvoces.org/assets/attachments/articles/384_un_congo_envoy_may_leave_amid_peacekeeper_scandal.doc
17. Lamothe, Dan (Washington Post, June 23, 2014): "Washington shifts, accepts Iraqi promise of immunity for U.S. military advisers" Available (1393/01/03) on line at: <http://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2014/06/23/washington-shifts-accepts-iraqi-promise-of-immunity-for-u-s-military-advisers/>
18. Lynch, Colum (Washington Post, Thursday, December 16, 2004; Page A26): "U.N. Sexual Abuse Alleged in Congo", Available (1392/12/25) on line at: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/articles/A3145-2004Dec15.html>
19. Lynch, Colum (Washington Post, Wednesday, December 7, 2005; Page A21): "U.N. Cites Misconduct In Firing Elections Chief", Available (1392/12/25) on line at: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2005/12/06/AR2005120601515.html>
20. Lynch, Colum (Washington Post, Monday, February 21, 2005; Page A20): "U.N. Official Quits in Harassment Case", Available (1393/01/15) on line at: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/articles/A39901-2005Feb20.html>
21. United Nations, Dag Hammarskjöld Library (2014): "Security Council - Veto List (in reverse chronological order)" Available (1393/03/30) online at: http://www.un.org/depts/dhl/resguide/scact_veto_en.shtml

22. United Nations News Centre (6 December 2005): "UN electoral chief Carina Perelli dismissed for misconduct" Available (1393/01/15) on line at: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=16832&Cr=elect&Cr1=>
23. Weisbrot, Mark (Guardian, 3 September 2011): "Is this Minustah's 'Abu Ghraib moment' in Haiti?" Available (1392/12/24) online at: <http://www.theguardian.com/commentisfree/cifamerica/2011/sep/03/minustah-un-haiti-abuse>
24. Yan, Holly, Elise Labott (CNN, April 22, 2014) "U.N. chief to Syria: Please don't hold presidential elections", Available (1393/03/30) online at: <http://edition.cnn.com/2014/04/22/world/meast/syria-civil-war/>

Archive of SID